

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: اعداد صلاة/مواقیت الصلاة

یکی از نوشته هائی که مرقوم داشتند این است که آقای بروجردی رحمة الله علیه در تبيان الصلاة جلد ۳ صفحه ۳۳ در مورد اخبار باب ۸ از ابواب مواقیت الصلاة که در مورد وقت نماز ظهر و عصر بودند و مضامین مختلفی داشتند (بعد از زوال به اندازه یک قدم یا دو قدم و یا به اندازه یک ذراع یا دو ذراع) فرمودند احتیاجی نیست که این اخبار حمل بر تقیه بشوند زیرا تمام مسلمین حتی عامه زوال شمس را اول ظهر شرعی می دانند، بله ما هم قبلا این مطلب را عرض کردیم و همچنین گفتیم که آقای بروجردی فرمودند این تفاوت اوقات علتش خواندن نافله است و اشخاص در مدت زمان لازم برای خواندن نوافل متفاوت هستند، منتهی ما ضمن احترامی که برای ایشان و تمامی فقهاء قائل هستیم عرض می کنیم که نمی توانیم بپذیریم که این همه تفاوت در وقت مربوط به نافله خواندن است چراکه نوافل زمان زیادی نمی برند ولی خب یک قدم و دو قدم یا یک ذراع و دو ذراع زمان خیلی زیادی است لذا اگر ما اخبار را حمل بر تقیه نکنیم اینها را چطور باید معنا کنیم؟ از این جهت ما تبعا لصاحب حدائق و علامه مجلسی و صاحب مهذب الاحکام و صاحب مصباح الفقیه عرض کردیم اخبار باب ۸ که خیلی در مضمون با هم اختلاف دارند حمل بر تقیه شده اند.

فقیه همدانی مطلبی دارد، ایشان می فرماید مقتضای جمع بین ادله این است که ما بگوئیم وقت ظهر همان

اول زوال است که معلوم می باشد اما ذکر قدم أو قدمان یا ذراع أو ذراعان به لحاظ همان نوافل می باشد منتهی ایشان بحث را به اینجا برده که آیا در آن وقتی که شما نافله می خوانید امر به ظهر هم دارید یا نه؟ به عبارت دیگر آیا در یک زمان واحد هم امر به ظهر و هم امر به نافله شده یا نه؟ که خب این مطلب قدری مشکل است، اگر بگوئیم وقتی امر شده به خواندن نافله در واقع امر به ظهر برداشته شده و اگر اینطور نباشد لازمه اش این است که شارع مقدس در یک زمان واحد دو امر بکند ولو اینکه یکی از آنها مستحبی باشد پس دو امر از طرف آمر در یک زمان خاص به یک شخص مأمور مشکل است، ایشان با این بیان به سراغ بحث ترتب که در اصول خواندیم رفته و می فرماید در ترتب ما این مطلب را حل کرده ایم، مرحوم آخوند خراسانی فرمودند بعضی ها با ترتب خواسته اند مسئله امر به شیء مقتضی نمی از ضد است یا نه را حل کنند به این بیان که مثلا کسی وارد مسجد می شود و نجاستی را می بیند خب واجب است که ازاله نجاست کند و در همان لحظه ظهر شده و باید نماز نیز بخواند، خب از اینجا یک امر به ازاله نجاست و یک امر به اقامه نماز دارد و این دو متضاد هستند و با هم جمع نمی شوند زیرا اگر مشغول به هر کدام شود دیگری را نمی تواند انجام بدهد، خب در اینجا دو امر و دو شیء مأموره داریم که هر دو ضد هم هستند، مرحوم آخوند می فرماید اجتماع هر دو امر امکان ندارد و این تکلیف به محال است بلکه تکلیف محال است ولیکن بعضی ها خواسته اند این را از راه ترتب حل کنند به این بیان که هر دو امر واجب هستند ولی مثلا اگر ازاله نجاست نکردی نماز بخوان و این باعث می شود که امر

از روی ازاله برداشته شود لذا می تواند نماز بخواند، به عبارت دیگر مرحوم آخوند می فرماید اگر شارع در زمان واحد به دو چیز که با هم قابل جمع نیستند امر کند می شود تکلیف محال منتهی برخی خواسته اند با ترتب این را درست کنند به این بیان که با شرط متاخر یکی را مترتب بر دیگری می کنند مثلا می گویند اگر نمی خواهی ازاله نجاست کنی نماز را بخوان یعنی شارع مقدس این قصد و اراده شما برای عدم ازاله نجاست را به عنوان شرط متاخر برای خواندن نماز جائز دانسته و به این صورت یک امر یعنی امر به نماز باقی می ماند، بله اگر اینطور شود دیگر دو امر متضاد وجود ندارد و شخص فقط مأمور به نماز می شود، علی ای حال ترتب این بود که به عرضتان رسید منتهی مرحوم آخوند منکر ترتب است و نمی پذیرد ولی اساتید ما همه ترتب را پذیرفته اند و می گویند حتی در عرف هم همینطور است مثلا شخصی می گوید این دو کار را انجام بده و اگر این را انجام ندادی آن دیگری را انجام بده، خلاصه حاج آقا رضای همدانی در مصباح الفقیه خواسته از راه ترتب ما نحن فیه را درست کند به این بیان که موقع زوال هم نماز ظهر و هم نافله هر دو امر دارند منتهی امر به ظهر وقتش وسیع است و حالا در این ظرف زمانی وسیع یعنی از ظهر تا مغرب که امر به خواندن نماز ظهر و عصر شده اگر نافله خوانده شود اشکالی ندارد منتهی خود فقیه همدانی آخر الامر قائل به تقیه شده و می فرماید این وجود روایات متعارض و این همه اختلاف در ذکر وقت نوافل و وقت صلاة ظهرین از باب تقیه می باشد چون عامه نیز همینطور هستند و بعلاوه اگر عامه نیز اینطور عمل نمی کردند خود اهل بیت علیهم السلام فرمودند ما خودمان بین شما اختلاف

ایجاد می کنیم تا شما شناخته نشوید و در نتیجه دشمن بر شما تسلط پیدا نکند.

خب و اما دیروز در مورد اینکه "لکل صلاة وقتان" روایاتی را خواندیم و عرض کردم این مسلم است هم ائمه علیهم السلام و هم فقهاء این را فرموده اند منتهی باید بینیم تعیین این وقتان چگونه است یعنی مثلا نماز ظهر و عصر دو وقت دارد این یعنی چه؟ در اینجا اختلاف نظر وجود داشت و فقهاء دو دسته شده اند؛ عده ای فرمودند یک وقت اختیاری و یک وقت اضطراری دارد والقائل به الشیخین (شیخ طوسی و شیخ مفید) و ابن ابی عقیل و المشهور من الفقهاء، دسته دیگر فرمودند مراد وقت الفضیلة و وقت الاجزاء می باشد والقائل به سید المرتضی فی الناصریات و ابن الجنید و جماعة من الفقهاء و المعاصرین و آقای بروجردی نیز می فرماید این قول مشهور است و ما نیز همین را قبول می کنیم و به نظر بنده نیز قول مشهور صحیح است و این مطلب روشن است زیرا ارتکاز متشرعه خودش دلیل بزرگی می باشد یعنی متشرعه برای نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء وقت وسیعی قائلند منتهی اول وقت را وقت فضیلت می دانند و الباقی را وقت اجزاء یعنی اگر وقت فضیلت تمام شد تا غروب وقت برای خواندن نماز ظهر و عصر باقی می باشد و متشرعه این تاخیر در خواندن نماز را ملامت نمی کنند و این را کار بر خلاف شرع نمی دانند فلذا لکل صلاة وقتان اول وقت فضیلت و دوم وقت اجزاء می باشد و آقای بروجردی نیز همین را پذیرفته و اخباری نیز ذکر کرده که بر این مطلب دلالت دارند که دیروز گفتیم صاحب وسائل این اخبار را در باب ۳ از ابواب مواقیت الصلاة ذکر کرده.

بقیه بحث بماند فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین